



از اصطلاحات کاری مفهومی

گفتگو با احمد علی‌پور، اقتصاددان و پژوهشگر ایرانی در مورد اصطلاحات کاری مفهومی

پایه در جای دیگری مطرح شود.

پس ببینید مالکین تبریزی که امروزه داریم، محافظه کاری هیچ هدفی ندارد، نه از نظر مشروب و تغیر و گواش و نه از نظر فشار و صلح این مفهومها این روزگار دهانی منافق و نامعین من تولد می‌نماید. این نوع تملکات و تغیرات و امداد درون خودش جای بدند و اقتصاد هر تظریک را، به این مفهوم نگاه کنیم، بین زنگ و بیهودت است به نظر من آنکه بخواهیم این اثبات صحبت کنیم، چیزی می‌خواهیم مستگیرمان نمی‌شود. هر چنین وضیعت بدجه چیزی می‌خواهیم توسل بجاییم؟

ایران چیست؟

اگر، «هر چنین جامعه خودمان برگردید، تقویت‌بندی دوگله محافظه کاران» و «املاع طلبان» به نظر من یک تقدیر بینندی کامل‌زاده را داری است که دیگران آن را باید کردند و خالق‌هایه نویل‌کننده این اثبات‌ها به کمک معرفت کننده آن سند هر چیز کس در کشور مانند توکل‌مدعی باشد که من مدعی این تصلحات هستم حتی می‌خواهم بگویم کلیری و تیسی بلوک سیلسی، «اعضای این بلوک را هم دیگران توییف کردند و به مبالغه کردند و ما در داخل کش و آن را فقط مصرف کردند، چون همان طور که اشاره کرد، محافظه کاری را باید من می‌روشی داشت که توکل‌مدعی توکل‌مدعی باشد، این اثبات‌ها مخفی باشد که نامی نکند مر فرد مخالفه کار طبقاً بیت به تدبیشمها و از رس‌های خود و نظم مطابق و احتساب استقر خوبیش در جامعه، محافظه کار نسبت ام اینست به آن چه اآن استفاده از این حرکت به او بروز نمی‌شود. دیگر محافظه کار تلقی نمی‌شود این حرکت به سنت نسبت در واژه «قرفیم» با «املاع طلبی» هم به چشم می‌خورد. و فرمیم معنای مطلق اتفاقه نمی‌کند بلکه به معنای اصلاح فرماقون و سیاستی به وضیعت مطابق است.

مفهوم «محافظه کاری» در ایران را در بروز به «جنبدارگاری» ترجیمه کردند و در داخل کشورهای این تعریف را به «اصول گیران» تعریف برداشتند. طبق این ادیان اصول گیرانی و اسلام خود این عنوان «اصول گیران» عنوان لست هر چون مازکه خود مانلید کردند، و این نویش باعده نسبتی به وضیعت

جزمهای است که در داخل کش و درست شده است و حتی هم هست.

از نمونهای اینست که از این مفهومی است: «اصول گیران» در این زمینهای که مادیگر مصرف کنندند بودند، به چه ملطفهایی می‌توانند اثماره کنند که آن را از نمونهای دیگری ممتاز کنند؟

پس از این مفهومی به این اثمارهای اتفاقات و نیز تکرش دینی که اتفاقات اسلامی بروان می‌بینیم، این تسمیه برحی از مولفهای این اصطلاح جدید، اوضاع دیگر که تفاوت‌های ملصوصی با ان پنهان گردیم ای دلخواه که دیگران آن را متألم‌خوانند نه ادغافل خشونت‌گرایی اسلامی قلمداد می‌کنند، تکه دیگر این است که بندگان گردیم، راه‌جستی می‌توان این ابعاد را بحث ماردو

هم تعریف ماغالیا کارکردی هستند بلکن این دراین موارد بهتر است بپرسیم کدام مخلافه کاری؟ دریخت سنت و مدرنیت هم مشهور است که من گویند: مخلافه معرفت هست است. منها بدبختی این چه است که ما وقتی می‌خواهیم این متعالم را وارد حوزه خودی و یکسان هلاوه بر این که به شان تزویل آن توجه نمی‌کنیم، نقطه و قطب از دلایل این مفهوم نگاه کنیم، بین زنگ و بیهودت و اقتصاد هر تظریک را، به این مفهوم نگاه کنیم، بین زنگ و بیهودت است به نظر من اثبات معاشر سراسی به معنای چنان این محافظه شد در آن تعریف محافظه کاران کسان هستند که از خلیم حاکم خفای و از نظم موجود تدبیشمی کنند و درجه‌تی تغیر کلان و جله‌جاه می‌خرمی، از این و در مشی معلمی در مباحث تئوری و اثبات این بحث نایز مندلر اند شناسی نظری و تئوری کنند است که این باید از حوصله پخت خارج نشود چون یعنی هر جایی است که دیگر فعالیت‌های پنده در طول سال‌های گذشت به عوام یک معلم، این بحث نایز مندلر اند شناسی نظری و تئوری کنند است که این باید از حوصله پخت خارج نشود چون هر جایی است که دیگر فعالیت‌های پنده در طول سال‌های گذشت به عوام یک معلم از مفهوم دراین مفهوم بحث شود.

از این مفهومی که بدبختی از این اثبات معاشر سراسی به معنای چنان این محافظه شد در آن تعریف محافظه کاران با مسک و میان زندگی سیلسی، اجتماعی چلری خودگردانی و آن وظایت داده شده و رای حفظ آن ناشی می‌کنند و طبیعت این مقاله هر نوع تغیری مقاومتی کنند.

از مردم ای محافظه کاری این چیزی بدلیم، این

محافظه کاری هیچ هویت ندارد حتی در این این مفهومی بدبختی از این اثبات معاشر سراسی و لوحظه‌ای و

برخوردهای تند و دفعات اتفاقی، آن‌وبه گرفته دوری کنند این اثبات معاشر سراسی است که بالستاده از

میان اتفاقی محافظه کاری از مفهوم سیلسی موره و توجه قرار گیری و ترجمه من شود.

از مفهومی تاریخی، از این محافظه کاری با

کسر و ایتمام به دور اتفاقی، فرانسه با پهلوی گویند

من از اتفاقیه بار از گردد اتفاقی که ناخدا

ستگر دوران را بروزه در این اتفاقی و اجتماعی به

هر چیز در هم ریختن نظم، سفر، طبیعت اتفاقی و مواقفی داشت که از جمله اتفاقی این می‌توان

به آن وندیز گتلتی اشاره کرد که به این‌مانی

محافظه کاری و مخلافه باز هم ریختن نظم مستقر

با این‌کرد پنهان این محافظه کاری در معنای ایلی

خود، حکایت از تمايل به حفظ وضع موجود و مستقر

و مختلف بازگشای افزایشی، رادیکال و نند خارج

از این زمان به بعد و از این محافظه کاری به صورت مستقل با مرکز

و از این‌که بگویی به صورت ترقیکی، مبنای گوناگونی را گذاشتمی کنند

که نقطعه تمرکز آن معنای است که به آن اشاره کردم

قرمه‌شتر کشتم این تعریف و دریافت‌های از مفهوم محافظه کاری

گیوچیمی معنای است که به آن اشاره کردم البته مادراین جا

به ذیوال تعریف دقیق برای این مفهوم نیستند، چراکه دریخت ما

این گارنه ممکن است و نه لازم ممکن نیست، چون اصول این طبق

تجهیز که در منطق اسلامی، اصول این طبق پدیده مایه

حدتام و حقیقت گله به حدت اقصی ممکن نیست و ماقبلی نیز قائم

برای تقریب به ذهن، شرح ای اسما از موضوع مورد بحث لازمه

پنهان، نکته دیگر در این تعریف این نوع متفاهیم این است که ما

مسئولاً در مقام تکریزه این امور را توجه می‌کنیم و یعنی دلیل

و^فلسفی دیگر فرنگ‌ها را این منظر در کلیت می‌توان گفت که هر گروه اول تعصی برای حفاظت از ایکان پیشتر است و تعصی در گروه دوم تا حدودی کلسته می‌شود در عین حال، در عمل، نوع شنیده تبییر طبلات و تحول طبلات در گروه اول بسیار غلظیر استه چون گرایش اتفاقی را از جزء صفاتی توریک خودش پذیرفته و این گرایش اتفاقی، هم‌استدالگی پر اصول و پیلوهای اول و لرزهای دینی و اعتمادی را اخراج می‌کند. متن کاملاً تدوین گردیده که نظر خرد مرست است که مسأله مذهبی و پیلوهای انتشار حفاظت می‌کنند و لی در این پیلوهای انتشار عرص تحول و پویایی و رفتار اتفاقی وجود دارد. دیده می‌شود که می‌تواند با نظم حاکم ستره‌جویی بکند. پس اگر بواهیم به معنایی واقعی کلرکره گردیده و پر الامات سمعی اش برای این گروه‌بندی می‌باشد نهی اختاب کنید. بهتر است انان را اصلاح طبلات بدانیم و بمان ادبیات راچ من می‌توخمن این جملات را و ارادت می‌پاسخوییم که هر چیز ای اصول گیر ای، اصلاح طبلات واقعی در جمله‌های ما هستند و اتفاق این گروه‌هایی دیگر نداشته به دلیل تعلیمات انتقالیان به دلیل تکلف‌گری و همراهی شان با اطمینان المثل و رفتار غالب بر مناسبات جهانی به مشی محافظه کاری فردیکه تردد گروه معاشر اول که به نظر من در متن محافظه کاری هستند هیچ تحویل ای رئیسی تابند محافظه کار واقعی صدق‌آلاق‌ها هستند که ای کسی خواهد در نظم‌های مسنت گذاشت و رفتهای غالب پسته جهانی، فکر کنند و آن جا الهم بکنند. حالا یا وابسته و اجری آن هاستند و باه لحاظ تفکر با آن ها همگرا هستند همگرایان با نظم قبل از تقلبات، محافظه کارترین گروه در کشور ماهنتد.

از میان دو گروه مستقیمه اتفاقات، کمن آنها را مصالح گرا و اصلاح طبلات دوم خود را داری به تصریم کردند. بدین هیچ تردیدی بازیست و اینجی که مسالان داریم و با آن صحبت می‌کنیم، اصلاح طبلات دوم خود را داری «محافظه کاران درون نظمی» هستند. به نظر من این مخفی شاکله‌های روشان است و نیز فرانس‌هایش قابل استفاده است و گهادا و نوع رفتارهایی را هم که می‌توان مانند مثل اورد بسیار بسیار فراوان است.

بر سر اصلاحات تزلیج کنیم. مانه محافظه کاری و نه به اصلاح طبلات و با عنوانی دیگر اصل الرؤشی و لشکری نمی‌دانیم. اگر بواهیم این ادبیات را ترجمه نکنیم و تطبیق بدهیم و در میان گروه‌های موجوده ممکن باشد کنیم و عمل گرایش و عیسی در اتفاقات بین‌دشیشم، باید بگوییم که او هم‌معظم اتفاقات اتفاقی تر و فرانکتر و تحول گرانتر نمی‌شنفیم، مرین مدیران اجرایی، جسوسون و خطشکن تر و تحول گران‌تر از آنکه رئیس جمهور سراغ تباریم شاخص های جویان اصول گردی هم، هو خوبه کلان نظام و در صفت اجرایی با این ادبیات تعریف می‌شوند بالین و فشار چه عنوانی می‌توانیم بر آنها الطلاق کنیم؟

کلیت اسراخ از ایاض طبقه‌بندی ها، شما از نظر اعتقادی و با مراعات بمنکر شهای دین، این بعثت را چگونه



دنیا پر طرح می شود آن تدریج هم خط کشی روشن و شفاف و دقیقی
تبلور این تقویم بمندی هادرجه سلطنه و در گنجایندگی نهیں حدود
میزند! این تقویم بمندی ها و قاعده های دشمن استه من فکر منی کنم ما
باید با تسلیح از این اصطلاحات عبور کنیم من توافق مصلحته و
باکثر یارندی دقیق به این مسلال تکه ای کنیم.
شناخت چنان آفای پور محمدی والآخره این اساسی
و اصطلاحات باید مهابه از این دربرین داشته باشد تا عدمی
خود را به آن منسوب کنند.
با هم اول مساله این است که این به قول شمامی اصطلاحات
از جای دیگری امده اند و در آن فرهنگ هم درای میانی محمل
هستند بحث پرسش این است که آیا نسبت هم میان این اسلائی
و نموده بیرونی شان برقرار است یا نه؟ و گزنه همه می دانیم که این
گروه مردم گروه دیگر و اندیشه دلخواه فکر من کنم که میان این اکافیه چاله
خود حصل، من توافق می دستگذاری از آن بدینه یا کی اینه و تعریف
این است که گشتو را بر اسلائی تغیر دینی و لفظی پیش ببریم
گروهه دلخواه می گویندند یا این تغیر نی نوان پیش رفت و توسعه
برای گشتو محقق خواهد شد این گروه از اینا خاطلی و واپسی
به سکونه هم شسته خواهد بود از که مسدحات

عین خوب است به یک نکته دیگر اشاره کنم: به دلایلی که گفتم اصطلاح «علوم خردمند» به نظرم رسانتر و کامل تر از «صلاح طلب» است، چون ماده‌های دوم خردمند حداکثر درون تاریخی است و به قاعده و مقطع تحقیق تزدیک شود و بروط تراسته طبقه‌های دریسک، حداکثر اجتماعی و سیاسی دور هم جمع شدند، پک حداکثر واشکل داشتند و یک قریب ذهنی با هم پیدا کردند و بعد دیگران برایشان اصطلاح «صلاح طلب» را در واقع وضع و جمل کردند این وضع، به اصطلاح اصول لفظی، وضع تعیین است و نه تعیین؛ والبته از آن گروه هم با آن مستفاده می‌کنند من فکر می‌کنم چون «صلاح طلب» از این جدیت که ایجاد اسرار مغلوب ملاحظه کاری به کارمی رو و به گونه‌ای واردانی است و مفهوم آن جندان قابل تطبیق بر این اسم نیست و

منسوب شده باشد. این را به درستی می‌توان
این هر تکر، آشناز عمل، آیا نظر عمل و سیره مثلاً اصول گرامیان
خیلی از افراد محظوظ داشت به عسا و بدون رسک و بدون رفتار
و ادیکالی هستند؟ اتفاقاً در جهه اصول گرامی از افراد بامش، ادیکالی
وزن و رفتار لغایانی پیشتر می‌بینیم و در طرف دیگر، بعضی گروه
دوم خرددادی، هستند کسانی که به رفتار اعتمادی تمايل داشان

مطلب میگری که فلغ از اصلاحات زاید، مطرح استه تقدیم
به حفظ حقوق و مشی قانون گرامی فست که کرومهای دوم خردی
لوازیان چهت که کرومهای به هر حال نظم شکن و دارای تغیر
در اینکالی هستند، ظاهرا پایدار باقیبندی به مقررات طفره بروند
در حالی که اتفاقاً آن هادر اجرای قانون، حدالی در گفتگو
و صحبتها و پیامها و اعلام مواضع به این مقابله الزام دارند
پس بینید که یک بدھم رختگی در حوزه عمل و دفتر ملاحظه
می کنند، این تماریح در یاد ملاحظه کاری و اصلاح طلبی که در

1

ادبیات

دول گرایانه در
حق باورهای
انهضوی است.
به خصوص
شیع گروهی
بیهار تحول خواه
ست، ماحضرت
العصر (عج) را
صلیح «خطاب»
من کنیم

محلسته تو	شوند
به نظر	بودن
آن چه درد	سیند
حضرت را	برود
لست کر	ابن
نشانه عنا	عمل
منطق عقد	در
اصلاح طلاق	جامه
خموش و	کان
که به آید	یقی
تمامی طلاق	هاتا
کارمی نگیر	کری